

نشانه چاک دهان در دهانه تنبور

نشسته بر سرِ ویرانه های سر در گور
نشانه چاک دهان در دهانه تنبور
در آستانه بی مایگان و بی صفتان
گزیده پرسه زنان رزق و روزی مقدور
کجا نشیند ، در یوزگی کجا ببرد
غلام حلقه به حلقوم و خادمِ مزدور
چو بوم بر سر هر بام وای وای کند
به حسرتی که به دل دارد از زمانه دور
بهل که سینه دراند به خشم ، دندش نرم
بهل که خون بدواند به چشم ، چشمش کور
گمان مبر که هر آن نعره از دلیری هاست
که نعره ، هم ، بود از کیف و نشئه وافور
چنان خروش و خراشی که در گلو دارد
به خون نشسته تو گویی جراحِ ناسور
جسارتی که در این پنبه پهلوانان است
حکایتِ شبِ تاریک و گربه است و سمور
گمان مبر که هر آن چشمِ باز ، می بیند
گمان مبر که هر آن دیده ، دید ، دارد نور
مگو که اینهمه از جهل و از ندانی هاست
مگو که خادمِ مأمور است و المعذور
به خونبهای عزیزان که داد بستانند
به خون و خانه ، که معذور نیست المأمور
هنوز نوحه سرایانش نوحه می خوانند
به گور آنکه دو صد بار گشته گور بگور

عجب که در کنفِ شیخ و شاه می بالند
ز خانه رانده ، با خانه در عبور و مرور
حکایتی ست ز هر سفره لقمه برچیدن
چه آشنا و چه بیگانه ، در غیاب و حضور
از آنچه رفت و درآمد به نکبت و خواری
دگر نمانده حدیثی نخوانده و مستور
نه آنچه گفتم پایانِ گفتگوی من است ،
که غیرتم نکشد حرمتِ وحوش و ستور
چنان که بندِ دهان درگشاده ، می غرد
گمان بری که دهنبندِ سگ گشاده به نور
بهل که کف به دهان گیرد و زبان سوزد
زباله دانِ شهنشاہِ قاهرِ مقهور

منیر طه ، ونکوور - سه شنبه ۱۷ فوریه ۲۰۰۴

پس از باز نگری و باز سازی ، ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۷

سردبیر را پای تلفن کشیده ، بازخواست می کردند که چرا لیست چک های نقل قول
شده از مجلهٔ نیشین را چاپ و چرا اینگونه مطالب را نخوانده (سانسور نکرده) منتشر
کرده است .

در نوشتهٔ بعدی به تفصیل خواهد آمد .